

نگاه هریتج، واشنگتن

از آخر، اول!

پدیده آوردن نظام قضایی کارآمد و دموکراسی واقعی، می‌تواند راه را برای رشد و توسعه در افغانستان باز کند.

افغانستان برای اولین بار در سال ۲۰۰۹ در رده‌بندی‌های جهانی در ارتباط با شاخص‌های آزادی اقتصادی قرار گرفت. پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ افغانستان دستخوش تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیادی شد که یکی از نکات مثبت حاصل از آن، حرکت سریع رشد اقتصادی در این کشور بود. بخش مسکن نقش مهمی در این میان برعهده داشت، چراکه فقدان زیرساخت‌ها و بالطبع نیاز بسیار بالا برای آن جهت توسعه متوازن، بخش مسکن را بیش از سایر بخش‌ها به رشد واداشت.

دموکراسی، بی‌دموکراسی!

افغانستان یکی از فقیرترین کشورهای جهان در زمینه اصول دموکراسی است. پس از اتحاد کشورهای غربی برای از پای درآوردن طالبان که به سرکردگی آمریکا صورت پذیرفت، وضعیت دموکراسی در افغانستان تا حدودی امیدوارکننده شد، به طوری که با برگزاری انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ احساس می‌شد افغانستان می‌تواند توسعه سیاسی و اقتصادی را تجربه کند. مضاف بر آن که رشد اقتصادی قابل توجه دورقمی افغانستان در سال ۲۰۰۷ این امیدها را بیش از پیش افزایش می‌داد. اما این وضعیت تداوم زیادی نداشت، چراکه فقدان قوانین امنیتی و نظارتی و وجود فساد مسئولان دولتی در نواحی و استان‌های مختلف افغانستان، سرمایه‌گذاران خارجی را نگران کرد و دیری نپایید که با فرار سرمایه، رشد و توسعه اقتصادی افغانستان روندی معکوس به خود گرفت. همچنین، رشد و حجم بالای اقتصاد زیرزمینی در افغانستان که بیشتر در زمینه فعالیت‌های

درصدی از محصول ناخالص داخلی (GDP) معادل ۶/۴ درصد بوده است.

اما حجم دولت در اقتصاد افغانستان آنچنان وسیع و گسترده نیست، چراکه کل مخارج دولت - که شامل تمامی مصارف و مخارج جاری و عمرانی می‌شود - به طور متوسط رقمی معادل ۱۱/۶ درصد GDP بوده است. اما در سال‌های اخیر دولت عملکرد مناسبی نداشته و در روند بازسازی سازمان‌ها و ارگان‌های تحت مالکیت خود بسیار کند عمل کرده است. علاوه بر این، لوابج تجاری که می‌باید در حمایت از بخش خصوصی و خارجی در مجلس مطرح شوند، همواره به تأخیر می‌افتد که این مسأله، نقطه کوری برای اقتصاد افغانستان به شمار می‌رود.

شاخص‌های کلان

علیرغم ثبات نسبی تورم در ۵ سال گذشته، وجود تورم دورقمی ۱۱ درصدی سنوات اخیر، سبب شده تصمیم‌گیری‌های بلندمدت اقتصاد افغانستان به انحراف کشیده شوند. در حال حاضر، شهرداری مسئولیت نظارت بر قیمت کالاهایی چون تخم‌مرغ، شیر، پنیر، نان، گوشت و سبزیجات را در شهرهای بزرگ برعهده دارد و این مسئولیت از حوزه نظام بازرگانی خارج است.

در کنار مشکلات عدیده و بیشمار اقتصادی حال حاضر افغانستان، نظام بانکی این کشور ظاهراً اوضاع بهتری دارد، چراکه دارایی بانک‌های افغانی در چند سال گذشته از رشدی ۲۲۵ درصدی برخوردار بوده و از رقم ۴۰۰ میلیون دلار به ۱/۳ میلیارد دلار افزایش پیدا کرده است. در دهه جاری ۱۶ بانک مجوز فعالیت در افغانستان دریافت کرده‌اند که در میان آنها سه بانک دولتی و پنج شعبه از بانک‌های خارجی به چشم می‌خورد. علیرغم نظام به نسبت قابل قبول بانکداری این کشور - البته در قیاس با دیگر بخش‌های اقتصادی آن - وجود ارتباطات، پرداخت وام‌های بی‌دلیل و بدون ضامن کوتاه‌مدت و بلندمدت، کارایی را در نظام بانکی افغانستان به شدت پایین آورده که حاصل آن هم چیزی جز عقب‌ماندگی و عدم توسعه در افغانستان نبوده است. در حال حاضر، فساد بالا و نظام ناکارآمد قضایی به عنوان سرچشمه مشکلات فوق به شمار می‌روند. بنا بر رده‌بندی فساد در کشورهای دنیا، افغانستان از میان ۱۸۰ کشور دنیا در رده دوم فاسدترین کشورها قرار گرفته و سومالی تنها کشوری است که گوی سبقت را از افغانستان ربوده است. با جمع‌بندی مطالب فوق، به نظر می‌رسد راه چاره برای سر و سامان دادن به اوضاع اقتصادی این کشور، تنها و تنها برقراری دموکراسی واقعی است. ■

شاخص‌های اقتصادی

وضعیت شاخص کسب و کار در افغانستان حال و روز خوشی ندارد. اگرچه تشکیل یک شغل و کسب گواهی‌نامه‌های لازم برای تأسیس آن در افغانستان بسیار سهل است، اما به دلیل فقدان دولتی قدرتمند که بتواند امنیت و حیات پناهگاه را در سیطره فعالیت‌های قانونی تضمین کند، بنگاه‌های تولیدی علاوه بر مشکلات سرمایه اولیه، نمی‌توانند آینده روشنی را برای خود ترسیم کنند و این مسأله سبب شده افغانستان از بُعد شاخص کسب و کار در رتبه ۱۶۳ جهان قرار گیرد. همچنین عدم کارایی در تجارت بین‌الملل افغانستان و از آن مهمتر، درجه بالای فساد اداری، نگاه مجامع بین‌المللی را به این کشور ناامید گردانده و نتیجه آن بوده که در حال حاضر، افغانستان نمره‌ای در شاخص تجارت بین‌الملل کسب نکرده است. بر اساس آخرین اطلاعات گمرک افغانستان، متوسط وزنی نرخ تعرفه در این کشور در پایان سال ۲۰۰۷ معادل ۵/۹ درصد بوده است.

شاخص مالی و دولت

افغانستان به لحاظ مالی و مالیاتی، نرخ تقریباً معتدل و متوسطی دارد، به طوری که هر دو نرخ مالیات بر درآمد و مالیات بر شرکت‌ها، حداکثر نرخی معادل ۲۰ درصد دارند. مالیات بر فروش - که در کالاهای متفاوت از ۲ تا ۵ درصد طبقه‌بندی شده‌اند - از دیگر صور نرخ‌های مالیاتی افغانستان به شمار می‌روند. همچنین در سال‌های اخیر، درآمد مالیاتی کل در این کشور برحسب

